



• در آمد

روابط جواد العطار عضو پیشین مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق، با شهيد محراب آيت‌الله سيدمحمدباقر حکيم روابطى ديرينه بود. از همين رو گفت‌وگوى وى با «شاهد ياران» که بيان‌کننده گوشه‌اى از زندگى سراسر جهاد و مبارزه اين شهيد خستگى‌ناپذير است از نظر تان مى‌گذرد.

دیدار با استاد العطار

عضو کمیته مرکزی سازمان پیکار اسلامی عراق

حکیم خود را فدای اسلام و سربلندی عراق کرد...

از چه زمانی با آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم آشنا شدید؟

نظر به اینکه یکی از پیکارگران صحنه سیاسی عراق هستم، از تاریخچه جهاد و مبارزات شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر برای سرنگونی رژیم دیکتاتوری حزب بعث کاملاً شناخت دارم. شهید محراب در این مبارزه، با شهید صدر همراه و همگام بوده است. اما، شهید حکیم زمانی شهرت یافت که رژیم صدام در پی انتفاضه بیستم ماه صفر سال ۱۹۷۷ او را دستگیر و به اعدام محکوم کرد.

شهید حکیم پس از رهایی از زندان به سوریه مهاجرت کرد، و دیری نپایید که در جمهوری اسلامی ایران استقرار یافت. در تهران، من یکی از افرادی بودم که همراه انبوه اقبشار گوناگون و گروه‌های مبارز عراقی از او استقبال گرم و پر شور و متناسب با شخصیت و تاریخچه مبارزاتی‌اش به عمل آوردیم.

استقرار شهید حکیم در تهران چه تأثیری بر یکپارچگی مخالفان عراقی داشت؟

هنگامی که شهید محراب در تهران استقرار یافت «جماعت علمای مجاهد عراقی» را تأسیس کرد. همچنین آقایان آیت‌الله سید محمد تقی مدرسی و آیت‌الله شیخ محمد مهدی آصفی و آیت‌الله سید محمود هاشمی و تنی چند از علمای عراقی در بنیانگذاری این مجمع نقش داشتند.

شهید محراب چند سال بعد، به منظور وحدت بخشیدن و یکپارچه ساختن احزاب سیاسی و سازمان فعال عراقی در داخل و خارج از کشور، و گسترش و پیشبرد مبارزات جنبش اسلامی عراق تا سرنگونی رژیم حزب بعث، مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق را تأسیس کرد. در حقیقت اقدام به تأسیس مجلس اعلا، تحولی چشمگیر در مبارزات بر حق ملت عراق

به وجود آورد.

به نظر شما سپاه بدر، شاخه نظامی مجلس اعلا چه تأثیری بر پیشبرد عملیات سیاسی و نظامی جنبش اسلامی عراق در آن مرحله داشته است؟

در واقع تشکیل هسته‌های مسلح و پیگیری مبارزه مسلحانه، واکنشی بود به شرایط و نیازهای آن روز حاکم بر عراق. به این معنی که جنبش‌های اسلامی و غیر اسلامی مخالف عراقی، مبارزه مسلحانه در آن مرحله را یک اصل راهبردی نمی‌دانستند. بلکه بر این باور بودند که برای توقف عملیات سرکوبگرانه و

تشکیل سپاه بدر واکنشی به خواسته‌های بر حق مردم سرتاسر عراق بود. نخستین هسته‌های سپاه بدر توسط مجاهدان و مخالفان عراقی مستقر در باتلاق‌های جنوب به وجود آمد و دیری نپایید که به مناطق فرات میانه و کردستان عراق گسترش یافت.

هجوم وحشیانه رژیم صدام به مردم بی‌دفاع عراق لازم است از ابزار نظامی استفاده نمایند. چرا که این رژیم به‌طور بیرحمانه مردم را بر اساس هویت و شکل ظاهری به قتل می‌رساند. افزون بر آن رژیم، برپایی مراسم عزاداری سرور شهیدان را منع کرده بود و به مردم اجازه زیارت مرقد ائمه اهل بیت (ع) را نمی‌داد.

به این ترتیب تشکیل سپاه بدر واکنشی به خواسته‌های بر حق مردم سرتاسر عراق بود. نخستین هسته‌های

سپاه بدر توسط مجاهدان و مخالفان عراقی مستقر در باتلاق‌های جنوب به وجود آمد و دیری نپایید که به مناطق فرات میانه و کردستان عراق گسترش یافت. پس از آزادی کردستان عراق از چنگ رژیم حزب بعث، پیکار سپاه بدر ابعاد تازه نظامی و سیاسی به خود گرفت. و دامنه عملیات مجاهدان عراقی برای آسیب رسانی ارتش عراق و رژیم صدام وسیع‌تر شد. به موازات سپاه بدر، تشکیلات دیگری به نام «نیروهای امام حسین (ع)» شاخه نظامی سازمان پیکار اسلامی در صحنه حضور فعال داشت و توانست ضربات کوبنده بر پیکر رژیم حزب بعث و مزدوران آن وارد کند. اما، دامنه فعالیت سپاه بدر وسیع‌تر بود و مجاهدان این سپاه حرفه‌ای‌تر عمل کردند.

روابط و همکاری شهید محراب با دولت‌های همسایه چگونه بود؟

آیت‌الله حکیم همیشه سعی داشت با دولت‌های همسایه روابط دوستانه و همکاری داشته باشد. با وجودی که برخی از این دولت‌ها از صدام و رژیم حزب بعث پشتیبانی می‌کردند، اما، شهید محراب با سعه صدر و تلاش خستگی‌ناپذیر توانست این محاصره را بشکند، یا دست کم شیوخ خلیج فارس را بی‌طرف کند. او همواره به کشورهای همسایه سفر می‌کرد، و با دولت‌های کویت و سوریه و امارات عربی متحده روابطی دوستانه داشت. هر چند مدت یک‌بار به کویت سفر می‌کرد، و روابط او در سطوح رسمی و مردمی بسیار خوب و مؤثر بود، و در نتیجه این رفت و آمدها توانست پشتیبانی دولت و ملت کویت را از آرمان مردم عراق به دست بیاورد. شهید محراب بر اساس اصول و آرمانی که به آن اعتقاد داشت می‌کوشید دوستان فراوانی برای ملت عراق پیدا کند و یا دست‌کم می‌کوشید برخی دولت‌های منطقه همچون ترکیه و مصر را که حاضر نبودند از



رسیدگی به مشکلات و نیازهای مهاجرین عراقی بود. شاید او تنها شخصیت عراقی بود که از اردوگاه‌های اسرای عراقی به‌طور مستمر بازدید به عمل می‌آورد، و آنها را نسبت به سرنوشت خودشان و آینده میهن‌شان امیدوار می‌ساخت. تلاش می‌کرد آنان را از اسارت آزاد کند. در این تلاش کاملاً موفق بود، و توانست هزاران اسیر عراقی را آزاد کند. در تاریخ اسلام جز در زمان پیامبر اکرم (ص) سابقه نداشته که اسیرانی آزاد شوند. پیامبر اکرم اسیران قریش را به شرط سواد آموزی ده تن از مسلمانان آزاد می‌کرد.

به هر حال شهید محراب توانست مسئولان جمهوری اسلامی را متقاعد کند که اسیران عراقی برادران و فرزندان ما هستند، آنها را به زور وادار به جنگ کرده‌اند. از مسئولان ایران خواست با آزادی اسیران جنگی موافقت کنند. سرانجام تعداد زیادی از اسیران بر خلاف قوانین و مقررات بین‌المللی آزاد گشتند. در آن زمان رژیم حزب بعث در واکنش به این اقدام انسانی اعتراض کرد. اما، این مرد با صلابت به اعتراض بعثی‌های عراق بی‌اعتنایی کرد، و مسئولان جمهوری اسلامی نیز اوضاع و شرایط آن روز عراق را درک می‌کردند.

افزون بر مهاجران و پناهجویان و اسیران عراقی مقیم ایران، شهید محراب آیت‌الله حکیم برای مهاجرین عراقی مقیم سوریه و کشورهای اروپایی نیز اهمیت قایل بود. او همواره با آنان، به ویژه در موسم حج و سایر مناسبت‌های دینی و ملی دیدار داشت، و به آنان سفارش می‌کرد هویت اسلامی و اصالت ملی و تربیت اسلامی خود و خانواده‌های خود را حفظ نمایند. او خود را شریک غم و اندوه هموطنان عراقی‌اش می‌دانست. و جانفش را در راه رهایی و نجات آنان از دست داد. ■

در زمینه کمک به ملت عراق برای سرنگونی صدام تکریتی تغییر کرده و متحول شده است. به هر حال من به نمایندگی از سوی سازمان پیکار اسلامی عراق جلسات طولانی با آیت‌الله حکیم داشتم و اوضاع و راهکارهای یکپارچگی مبارزه را با او بررسی کرده و هماهنگی‌های لازم را به عمل می‌آوردم
رفتار شهید محراب با مهاجران و آوارگان عراقی چگونه بود؟

در واقع درب خانه او بر روی همه عراقی‌ها باز بود. همواره از افراد مختلف و هیئت‌های گوناگون استقبال به عمل می‌آورد. به سخن آنها گوش می‌داد، و می‌کوشید مشکلات آنان را حل کند. میان شهرهای گوناگون ایران مانند قم و مشهد و اصفهان و اردوگاه‌های مهاجران و پناهجویان عراقی در حال رفت و آمد بود، و مشکلات آنان را رسیدگی می‌کرد. از مسئولان جمهوری اسلامی تقاضا می‌کرد به مسائل و مشکلات مهاجرین عراقی چه در زمینه بهداشت و یا مسکن و آموزش و پرورش توجه نمایند. در مجلس اعلائی انقلاب اسلامی عراق واحدی را به نام واحد خدمات اجتماعی به وجود آورد که وظیفه آن

آرمان ملت عراق دفاع کنند، بیطرف کند. به هر حال شهید محراب در مسیر تلاش برای متقاعد کردن بسیاری از دولت‌ها برای دفاع از ملت عراق گام‌هایی استوار برداشت.

تصمیم بازگشت آیت‌الله حکیم به عراق پس از سرنگونی رژیم صدام بسیار دشوار بود. شهادت او چه پیامدهایی بر اوضاع سیاسی عراق داشت؟

پس از سرنگونی رژیم حزب بعث، رهبری جنبش اسلامی عراق موقعیت را برای بازگشت به میهن و پیوستن به ملت مناسب یافت. هر چند که بازگشت به میهن مخاطره‌انگیز بود، و همین‌طور هم شد. شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم با این بازگشت، خون و جان خود را در راه اسلام و در راه سربلندی ملت عراق تقدیم کرد. با وجودی که می‌دانست اوضاع عراق خطرناک است. اما، به روشنی درک کرده بود که ملت عراق پس از رهایی از رژیم صدام به حضور او نیاز دارد. بنابراین، تصمیم گرفت این گام بزرگ را بردارد، و بازگشت او تأثیری مثبت بر صحنه سیاسی داخلی عراق برجا گذاشت. همه ما شاهد استقبال گرم و بی‌نظیر مردم بصره هنگام گذر او به شهر نجف اشرف بودیم.

شهید محراب پیش از شهادت، روند سیاسی بازسازی عراق را اداره می‌کرد، و بر جزئیات پیکار سیاسی عراق جدید نظارت داشت. امروزه دستاورد تلاش‌های خستگی‌ناپذیر او را به روشنی شاهدیم. اما، به هر حال این اراده و خواست خداوند بود که او را در ردیف شهدای بزرگ راه آزادی قرار دهد. نباید فراموش کرد که شهادت او مانند خون پاک شهیدان بزرگی همچون آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر، و آیت‌الله سید محمد صادق صدر، و آیت‌الله سیدحسن شیرازی، و شهید شیخ عارف بصری و خون سایر شهیدان تأثیری شگرف بر اوضاع سیاسی عراق بر جای گذاشت. شکی نیست که سرنگونی رژیم حزب بعث و آزادی و رهایی ملت مظلوم عراق حاصل برکات و دستاورد خون پاک همه شهیدان راه حق و آزادی است.

شهادت آیت‌الله حکیم چه بازتابی بر صحنه سیاسی عراق داشته است؟

به خدا سوگند، شنیدن خبر شهادت آیت‌الله حکیم به شدت من و دوستانم آن مرد بزرگ را شوکه کرد. گمان نمی‌کنم کسی او را دوست نداشته باشد. چرا که او از دوران کودکی حیات و جان خود را وقف دفاع از حریم اسلام، حوزه علمیه و مرجعیت دینی کرد. سال‌های طولانی‌ای از عمر خود را در زندان و در غربت و دور از وطن سپری نمود. من یکی از افرادی هستم که برای دیدار و گفت‌وگو با او افتخار می‌کردم. بارها با او در مجلس اعلائی انقلاب اسلامی عراق، و در جلسات خصوصی که به منظور بررسی طرح‌های سیاسی تشکیل می‌شد ملاقات کردم. به یاد دارم که برخی از جلسات بسیار مهم مانند جلسه ارزیابی فعالیت‌های سیاسی و جلسه آماده سازی همایش ملی مخالفان عراقی که در سال ۱۹۹۲ در استان صلاح‌الدین کردستان عراق برگزار شد، ساعت‌ها طول می‌کشید. در دیدار با شهید محراب پیش از برگزاری همایش لندن سعی کردم دیدگاه او را در رابطه با این همایش جدید جویا شوم، به ویژه اینکه متوجه شده بودیم که موضع جامعه بین‌المللی

در چه زمانی با شهید محراب آیت‌الله حکیم آشنا شدید؟

بسم الله الرحمن الرحيم: من در دهه هفتم از قرن بیستم توسط شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر با شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم آشنا شدم. گاهی اوقات که به نجف اشرف می‌رفتم، هر چند مدت یک‌بار شهید حکیم را در بیت شهید صدر می‌یافتم. ارتباط خاص و یا همکاری با او نداشتم، فقط او را می‌شناختم، اما، پس از دستگیری او در پی حوادث مشهور بیستم ماه صفر سال ۱۹۷۷ توجه خاصی به ایشان پیدا کردم و به خاطر جهاد خستگی‌ناپذیر و موضع‌گیری اصولی و انعطاف‌ناپذیری او، علاقه‌مند شدم تا افتخار آشنایی با وی را داشته باشم. اما، در پی گسترش سلطه و نفوذ بعثی‌ها در عراق در پی روی کار آمدن صدام، حوادث شتاب بیشتری به خود گرفت.

از آن تاریخ عملیات نابودی و کشتار شخصیت‌های شیعه در سرتاسر کشور آغاز شد، و من نیز در سال ۱۹۷۹ در پی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و خروج سیدمحمدباقر حکیم از عراق، دستگیر و یازده سال و چند ماه زندانی شدم. در این مدت هیچ گونه ارتباطی با جهان خارج از زندان نداشتم، تا اینکه توانستم در جریان ناکامی انتقاله نیمه شعبان در سال ۱۹۹۱ از زندان بگریزم. در پی این حادثه دردناک همراه حدود یک میلیون آواره عراقی به جمهوری اسلامی ایران پناهنده شدم، و شهید محراب به استقبال ما آمد.

در حقیقت لحظه استقبال آیت‌الله حکیم از پناهجویان عراقی، لحظه زیبا و شادای بخش بود. چرا که دوباره با او دیدار می‌کردم. او از جوانان رهایی یافته از زندان‌های صدام از جمله سید جعفر فرزند سیدعبدالصاحب حکیم برادرزاده شهید محراب به گرمی استقبال کرد و آنان را در آغوش گرفت. سیدعبدالصاحب حکیم پیش از این در زندان‌های حزب بعث به شهادت رسیده بود، و شهید حکیم از بازگشت سالم برادر زاده‌اش و سایر برادران مجاهد عراقی شادمان گشت.

از آن لحظه به بعد روابط من با آیت‌الله حکیم در جمهوری اسلامی گسترش و ادامه یافت. زیرا، او ریاست مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق را بر عهده داشت، و در برنامه‌های سیاسی مردم بسیار فعالی بود. و طبیعی است که

فکر و اندیشه شهید محراب به اندازه یک دائره المعارف، بسیار گسترده بود. دقیق‌ترین مسایل را پیگیری می‌کرد. این مسایل را از ابعاد و زاویه‌های مختلف تحلیل و مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌داد. عوامل گوناگون تاثیر گذار، مانند عوامل سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی را به دقت بررسی می‌کرد.

تماس‌ها و دیدارها بین ما افزایش یافت.

بفرمایید شهید محراب چه نقشی در برپایی همایش‌های مخالفان رژیم حزب بعث عراق داشته است؟

پس از خروج جنبش‌های مخالف عراقی از کشور به علت اقدامات تروریستی و فشارهای امنیتی رژیم صدام بر ضد اسلام‌گرایان و رهبران‌شان، آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم، اولین شخصیتی بود که به منظور گردآوری مخالفان رژیم حزب بعث، و یکپارچگی مبارزه، تصدی مسئولیت برپایی این همایش را بر عهده گرفت. بیشتر این همایش‌ها در ایران برگزار شد، و تعداد چشمگیری از گروه‌های مخالف عراقی در آن شرکت کردند.

من از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۱ در زندان به سر می‌بردم، اما، بی‌تردید همه کسانی که آزاد بودند بر تلاش‌های خستگی‌ناپذیر شهید محراب گواهی می‌دهند. همه تلاشگران که با افکار و دیدگاه‌های شهید محراب موافق یا مخالف بودند او را رکن اساسی مخالفان صدام می‌نامیدند. آنان معتقدند که سیدمحمدباقر حکیم در زمینه جهاد و اجتهاد، و خدمت به ملت عراق و مبارزه با رژیم طاغوتی پیشین عراق بسیار جدی و فعال بود.

ابعد اندیشه سیاسی آیت‌الله حکیم و تاثیرگذاری او بر روند مبارزات مردم عراق را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ شکی نیست، که فکر و اندیشه شهید محراب به اندازه یک دائره‌المعارف، بسیار گسترده بود. دقیق‌ترین مسایل را پیگیری می‌کرد. این مسایل را از ابعاد و زاویه‌های مختلف تحلیل و مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌داد.

عوامل گوناگون تاثیر گذار، مانند عوامل سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی را به دقت بررسی می‌کرد. در حقیقت تعداد رهبرانی که این گونه می‌اندیشند، و این گونه عمل می‌کنند اندک است. جهان‌بینی شهید محراب بسیار باز و گسترده بود. به مسایل با دورنگری و از ابعاد گوناگون نگاه می‌کرد. رهبری اسلام گونه آیت‌الله حکیم پس از سرنگونی رژیم صدام و بازگشت او از جمهوری اسلامی ایران به عراق کاملاً آشکار شد. طرح یکپارچگی جنبش اسلامی عراق، و وحدت و انسجام و همدلی ملت مسلمان عراق را مطرح کرد. ملت عراق را به وحدت کلمه و پیروی از مرجعیت دینی فرا خواند. پس از بازگشت به عراق جنبش‌های مخالف رژیم حزب بعث را به فراموش کردن اختلافات گذشته که هنگام حضورشان در ایران به اوج رسیده بود دعوت کرد. از آنها خواست منافع ملی را بر منافع تنگ‌نظرانه حزبی و شخصی و زود گذر ترجیح دهند. بنابر این او پرچم وحدت بخش امت و پیروی از مرجعیت را به دور از هرگونه دسته‌بندی و جدایی طلبی و گروه‌گرایی به دست گرفت.

روابط آیت‌الله حکیم با شخصیت‌های سیاسی عراق چگونه بود؟

اگر برای پاسخگویی به این پرسش نخواهم دقیق سخن گفته باشم، باید بگویم که روابط شهید محراب آیت‌الله حکیم با شخصیت‌های عراقی در مراحل مختلف متفاوت بوده است. به ویژه هنگامی که در جمهوری اسلامی ایران حضور داشت و جهاد و مبارزه را بر ضد رژیم صدام رهبری می‌کرد. در آن مرحله، گاهی اوقات میان برخی سران و رهبران جنبش‌های اسلامی عراقی اختلاف نظر و چند دستگی به وجود می‌آمد. البته این گونه اختلاف نظرها در چارچوب یکپارچگی سیاسی کاملاً طبیعی است.

امکان دارد رهبران احزاب و سازمان‌های گوناگون در مورد اهداف و اصول و استراتژی یکپارچگی و جهاد اتفاق نظر داشته باشند، اما، بی‌تردید راهکارها و دیدگاه‌های آنان در مسائل جزئی و روزمره فرق می‌کند. فقها و مجتهدان نیز چنین هستند، چه رسد به رهبران جنبش‌های سیاسی؟! بنابر این اختلاف نظر میان سران جنبش‌های اسلامی و غیر اسلامی و لائیک و جنبش‌های لیبرالیستی و ناسیونالیستی یک امر طبیعی است. پس از سرنگونی رژیم صدام و بازگشت شهید

شهید حکیم همیشه آماده شهادت بود...

گفت‌وگوی «شاهد یاران» با دکتر سیدحسین شهرستانی

دکتر سیدحسین شهرستانی که مهمترین عامل گرایش خود به شهید محراب را در مجاهدت‌های خستگی‌ناپذیر و مواضع اصولی و انعطاف‌ناپذیری آن شهید در برابر دشمنان می‌داند، ۴۰ سال به عقب برمی‌گردد و به ویژگی‌های مبارزات مرجعیت حوزه نجف اشرف و نقش حساس شهید سیدمحمدباقر حکیم در یکپارچگی همه گروه‌های معارض عراقی و چگونگی تداوم این مبارزات می‌پردازد. دکتر سیدحسین شهرستانی کارشناس اتمی عراق به‌علت نرفتن زیر بار خواسته‌های صدام به مدت ۱۱ سال به زندان افکنده شد. او پس از فرار از زندان به جمهوری اسلامی ایران پناه آورد و به تشکیلات مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق پیوست. دکتر شهرستانی در گفت‌وگو با شاهد یاران، لحظه زیبای زندگی در کنار شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم را شرح می‌دهد و می‌گوید...



دکتر سیدحسین شهرستانی

من مطمئن هستم که نیروهای جوان و فعال و مؤمن عراق این خلأ را پر خواهند کرد. ملت عراق نسبت به خون شهید صدر و حکیم و نسبت به اسلام و خون امام حسین (ع) وفادار باقی خواهند ماند و سرزمین عراق را آنگونه که ائمه اطهار (ع) اراده کرده‌اند خواهند ساخت.

را بر عهده بگیرد. بر این اساس لازم است همه رهبران جنبش‌های اسلامی و احزاب سیاسی در اسرع وقت به عراق باز گردند. پس از فروپاشی بت خانه عراق درست نیست این رهبران از مردم‌شان دور بمانند. همه ما شاهد حضور میلیونی مردم عراق برای استقبال از سیدمحمدباقر حکیم هنگام خروج از ایران و بازگشت به عراق بودیم. میلیون‌ها مردم جنوب عراق با شادی به استقبال او آمدند، تا پیمان ببندند که در مسیر سازندگی عراق بر اساس عدالت و برابری در سایه اسلام همراه و همگام او باشند.

هنگام دریافت خبر شهادت آقای حکیم چه واکنشی نشان دادید؟

بی تردید در پی شنیدن خبر شهادت آیت‌الله حکیم شوک بزرگ و دردناکی بر من وارد آمد. اگر چه دستیابی تروریست‌ها به جان شخصیت‌ها و رهبران جنبش اسلامی و ملی را پیش‌بینی می‌کردیم. اما، هرگز باور نمی‌کردیم کسی گستاخی تجاوز و شکستن حریم شهر مقدس نجف اشرف را داشته باشد. آن هم در روز جمعه و در مقابل بارگاه امیر مؤمنان حضرت علی بن ابیطالب (ع) و پس از نماز جمعه. کسانی که به این جنایت دست زدند، در حقیقت به حریم اسلام و حریم حق و حریم امیر مؤمنان (ع) و حریم میهن تجاوز کردند. گمان نمی‌کردیم که شرارت و شیطنیت تا این اندازه در جسم و روان‌شان نفوذ کرده باشد، و به این جنایت هولناک و زشت دست بزنند. در این گفت‌وگو باز هم تکرار می‌کنم که هر یک از ما یک پروژه شهادت است و همه ما آماده شهادت هستیم و هر لحظه انتظار شهادت را داریم. دیگران هم باید این پرچم را در دست بگیرند و این راه را ادامه دهند؛ همان‌گونه که ملاحظه کرده‌اید، برادر شهید محراب سیدعبدالعزیز حکیم و سایر برادران پیکارگر و تلاشگر او پرچم را به دست گرفتند و این راه را ادامه می‌دهند و این حرکت متوقف نخواهد شد. این سنت جاری و فعلی خدا در میان مردم است. اکنون ملت آزاد عراق با سربلندی روی پای خود ایستاده و هرگز حاضر نیست در برابر هیچ احدی سر تسلیم و تعظیم فرود آورد. بی تردید در این مسیر دشوار شخصیت‌های دیگری شهید خواهند شد. همان‌گونه که امام حسین (ع) این راه و روش را به ما آموخت ما نیز رهرو راه او هستیم.

من از خداوند بزرگ تقاضای شهادت دارم. چرا که شهادت برترین و افتخار آمیزترین نوع مرگ است. اگر چه علاقه‌مند بودم شهید محراب آیت‌الله سید محمدباقر حکیم همچنان در میان حضور داشته باشد، و راهکار سازندگی عراق را با روش صحیح خود ادامه دهد، زیرا، وجود ایشان منشا اثر بزرگی بود و فقدان ایشان زبان بزرگی به شمار می‌آید. همان‌طور که فقدان شهید صدر خلأ بزرگی را ایجاد کرد اما، من مطمئن هستم که نیروهای جوان و فعال و مؤمن عراق این خلأ را پر خواهند کرد. ملت عراق نسبت به خون شهید صدر و حکیم و نسبت به اسلام و خون امام حسین (ع) وفادار باقی خواهند ماند و سرزمین عراق را آنگونه که ائمه اطهار (ع) اراده کرده‌اند خواهند ساخت. ■

آغاز کردند.

در آن مرحله اندیشه‌های کمونیستی، سوسیالیستی و ناسیونالیستی از سرزمین‌های مصر و سوریه به عراق یورش آورده بودند. آن روز امت اسلام مورد هجوم بیرحمانه فکری جریان‌اتحادی قرار داشت. این جریان‌های انحرافی بیشترین تأثیر را روی اقشار فرهیخته دانشگاهی و فرهنگی گذاشته بودند. بنابر این رویارویی رهبران جوان و پیشتاز مسلمان در برابر این تهاجم گستاخانه فکری به منظور مصون داشتن جوانان مسلمان اجتناب‌ناپذیر بود. شهید سیدمحمدباقر صدر با کمک و همکاری نخبگان جوان متعهد آن روز این مسئولیت را به عهده گرفت، و شهید محراب آیت‌الله حکیم بازوی راست و یار صدیق او در این رویارویی بود.

در حقیقت اندیشه سازماندهی و آماده سازی جوانان و فرزندان امت و مصون داشتن آنان در برابر تهاجم فکری شرق و غرب، و همکاری منظم با آنان، در چارچوب طایفه شیعه به نوعی یک ابتکار عمل نو بود. شیعیان آن روز در چارچوب مسایل اجتماعی و دینی کلی از مرجعیت پیروی می‌کردند. اما، در حوزه پیکار سیاسی و چالش اندیشه‌های داخلی و تهاجم فکری بیگانگان، راهکار روشن و اصولی وجود نداشت، و این مسئولیت سنگین را شهید صدر و شهید حکیم بر عهده گرفتند.

در زمان بازگشت آیت‌الله حکیم به نجف، عراق در شرایط سخت و دشواری قرار داشت، تصمیم و انگیزه بازگشت آیت‌الله حکیم به عراق را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

معمولاً رهبران بزرگ، به ویژه رهبران مسلمان، مسائلی امنیت شخصی را رعایت نمی‌کنند. فقط به چیزی اهمیت می‌دهند که اوضاع و شرایط اقتضا می‌کند. برای سربلندی اسلام و منافع میهن و عزت مردم‌شان بیشتر اهمیت قائلند. بنابراین، مسئله امنیت شخصی در کار نیست. و آن را چندان به حساب نمی‌آورند. شهید محراب آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم از آن دسته رهبرانی بود که چنین پیامدهایی را در محاسبات خود منظور نمی‌کرد. حتی، اگر جانش به خطر بیفتد. و این مفهوم باور جلدی شهادت را می‌رساند که شب و روز آرزوی آن را داشت. به نظر من تصمیم او برای بازگشت به عراق تصمیمی بسیار بجا و درست بود. بی‌تردید لازم دانسته به عراق بازگردد، و رهبری مردم عراق

محراب به عراق همه اختلاف نظرها در مسئله چگونگی سرنگونی صدام و بازسازی عراق بر مبنای برابری و عدالت اجتماعی میان همه شهروندان عراقی بدون تبعیض از بین رفت. شهید آیت‌الله حکیم از آن پس همه تلاش خود را برای نجات ملت عراق از پیامد فاجعه‌ها و درد و رنج‌های گذشته و سازندگی عراق نو بر اساس معیارهای نو و به دور از هرگونه تبعیض و بی‌عدالتی متمرکز کرد تا نسل‌های آینده در صلح و صفا و آرامش زندگی کنند. برای تحقق این اهداف، روابط دوستانه و مشترک آقای حکیم با همه رهبران جنبش‌های اسلامی و غیر اسلامی بر اساس همکاری و احترام متقابل و بر مبنای دفاع از آرمان ملت عراق و حفظ منافع کشور تقویت شد.

شما که از تاریخ چند دهه اخیر حوزه علمیه نجف اشرف اطلاع دارید، شیوه همکاری‌های شهید محراب با پدرش آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم و نیز مرحوم شهید صدر را چگونه دیدید؟

آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم پس از ارتحال آیت‌الله‌العظمی بروجردی، تصدی مرجعیت تقلید امت اسلامی را بر عهده داشت. دهها میلیون از شیعیان و مسلمانان جهان از او تقلید می‌کردند. با این وصف شهید محمد باقر حکیم که در بیت پدرش که در رأس امت اسلامی قرار داشت پرورش یافته است. به داشتن چنین پدری که اسوه و سرمشق بود، همواره افتخار می‌کرد. به یاد دارم که او و همه فرزندان آیت‌الله‌العظمی حکیم تحت تأثیر بیت مرجعیت پدر قرار داشتند. همه آنان بر اساس اسلام ناب تربیت و رشد کرده‌اند. اما، شهید سیدمحمدباقر حکیم از میان برخی برادرانش شاخص‌تر بود، افزون بر تفقه در دین و التزام کامل به راهکارهای اسلامی، پیکار سیاسی را نیز یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر می‌دانست، تا به دین وسیله اسلام بتواند جامعه را اداره کند، و حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ملت عراق را دگرگون و اصلاح سازد. دیدگاه شهید محراب و دیدگاه شهید سیدمحمدباقر صدر در این چارچوب یکسان بود. چرا که او از معدود شاگردان مکتب شهید صدر بود که از لحاظ فکری و پیکار سیاسی خود را با استاد هم‌عقیده و هم‌فکر می‌دانست. آن دو اولین شخصیت‌های حوزه علمیه نجف اشرف بودند که در نیمه قرن بیستم برای نجات جامعه عراق، اندیشه پیکار سیاسی و فعالیت‌های سازمانی مبتنی بر اصول اسلامی را



امام‌تبار جمعه در سخن‌گویی امیرالمؤمنین علیه‌السلام.